

## شناسایی عوامل خارجی بزهکاری

محمد مهدی قاسمی کیا<sup>1</sup>، عبدالمحمد کردی<sup>2</sup>

1. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی و مدرس دانشگاه

2. گروه حقوق، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

### چکیده

ارزش و اهمیت موضوع بزهکاری اطفال، مساله ای مهم و غیرقابل تردید در جوامع امروزی است که لزوم پیش گیری از آن نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. شناسایی عوامل موثر در بزهکاری اطفال برای پیش گیری، امری ضروری می باشد. در میان این عوامل، عوامل خارجی خصوصاً محیط خانواده و مدرسه نقش بسیار زیادی در این مورد دارند. چرا که کودک به محض تولد و حتی پیش از آن شدیداً تحت تاثیر محیط پرورشی خود قرار می گیرد. در این پژوهش ابتدا به مباحث بنیادی و مقدماتی و تبیین معانی اصطلاحات کاربردی این تحقیق خواهیم پرداخت تا زمینه لازم جهت درک بهتر مطالب این تحقیق ایجاد شود. بنابراین در این مقاله به شناسایی عوامل خارجی بزهکاری می پردازیم.

واژه‌های کلیدی: بزهکاری، محیط خانواده محیط اقتصادی، محیط طبیعی

## مقدمه

مطالعات زیست‌شناسی و روان‌شناسی عمدتاً حول محور عوامل جسمی و روانی طفل بزهکار تمرکز می‌کنند، اما از دید جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسان بر عوامل و جنبه‌های اجتماعی و محیطی موثر بر طفل و رفتارهای وی تاکید می‌کنند. جامعه‌شناسان کیفری معتقدند که تنها استعداد شخصی برای ارتکاب بزه کافی نیست و بسیاری از افراد هستند که ذاتاً آمادگی ارتکاب جرم را دارند اما اگر در محیط اجتماعی مناسب رشد نموده و از تربیت خوبی برخوردار باشند، بزهکار نخواهند شد.

عوامل خارجی بزهکاری کم نیستند و به همین جهت ما در اینجا به سه عامل مهم خانواده، مدرسه و جامعه که تکامل زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهند، به طور مختصر اشاره می‌نمایم. در این گفتار ابتدا به بررسی محیط خانواده و اهمیت و نقش این محیط در شکل‌گیری شخصیت اطفال می‌پردازیم و سپس نقش محیط مدرسه و محیط اجتماعی را که خود شامل محیط اقتصادی و محیط طبیعی و وسایل ارتباطات جمعی می‌باشد، در بزهکاری مورد بررسی قرار خواهیم داد.

## عوامل خارجی بزهکاری

## الف) محیط خانواده

خانواده که مهمترین نظام در هر جامعه‌ای می‌باشد و بنیان اصلی هر جامعه را تشکیل می‌دهد، لاقلاً از یک زن و مرد که میان آنها رابطه زوجیت وجود دارد، تشکیل می‌شود که فرزندان آنها نیز کامل‌کننده‌ی آن خواهد بود. محیط خانواده اولین آموزشگاه رفتاری است و والدین چگونه زیستن را به کودک خود می‌آموزند و افراد پس از تولد تحت تاثیر افکار، عقاید و رفتار اعضا خانواده خود قرار دارند. اساساً تکوین ساختار شخصیت روانی و اجتماعی اطفال عمدتاً در این محیط انجام می‌پذیرد. چرا که در این سنین مقدار زیادی از وقت طفل در خانواده می‌گذرد و از طرف دیگر کودک فوق‌العاده تاثیرپذیر و تربیت‌پذیر است.

رفتار کودک، کارکرد ویژه سازمان شخصیت اوست و ساختار شخصیت از طریق فرآیند یادگیری و تعامل با محیط‌های اولیه جامعه پذیری به تکامل می‌رسد. جامعه‌پذیری فرآیندی است که کودک از طریق آن، عناصر اجتماعی و فرهنگی محیط را فراگرفته و قابلیت‌ها و توانایی لازم را برای حضور موثر و مثبت در زندگی اجتماعی و پذیرش نقش مطلوب اجتماعی تقویت می‌کند. کودکان از طریق دو نهاد خانه و مدرسه فرآیند جامعه‌پذیری را طی می‌کنند و اختلال در این فرآیند، کودک را در معرض خطر انحراف از معیارهای پذیرفته شده اجتماعی و بزهکاری قرار می‌دهد.<sup>1</sup> لذا خانواده اولین محل و عاملی است که در رفتار طفل تاثیر می‌گذارد.

استحکام خانواده موجب استحکام روحی و جسمی اعضای آن می‌باشد. خانواده با ایفای صحیح وظایف خود می‌تواند از بسیاری از انحرافات پیش‌گیری کند. قریب به اتفاق محققان مسائل بزهکاری کودکان و نوجوانان بر این نظر توافق دارند که منشا اصلی بسیاری از مسایل نابهنجار مربوط به کودکان و نوجوانان را باید در خانواده جستجو کرد. محققان دریافته‌اند که از کودکانی که مورد بی‌توجهی والدین خود قرار دارند یا احساس عدم انسجام خانوادگی دارند، بیش‌ترین احتمال را برای درگیری در اعمال بزهکارانه یا بزه‌های ویژه کودکی دارند. خانواده‌هایی که در آن فقدان صمیمیت و کمبود محبت و حمایت از کودک موج می‌زند و خانواده‌هایی که در آنها اختلاف، کشمکش، خشونت و بد رفتاری چشم‌گیر است، کودکان به احتمال

<sup>1</sup> محمود مهدوی، ص 223 الی 226

زیاد به سوی بزهکاری و انحراف متمایل می شوند.<sup>۲</sup> برخی نیز معتقدند مادران شایسته ای که دارای اعتماد به نفس، مهربان و با اراده هستند، قادرند کودکان خود را حتی در نامناسب ترین محله های شهری، از خطر بزهکاری در امان بدارند.<sup>۳</sup> بنابراین اگر خانواده به وظایف عاطفی و تربیتی خود درست عمل نماید و رفتار والدین با طفل طبیعی و تامین کننده باشد، کودک ضمن احساس رفع نیازهای طبیعی به طور مستمر و مداوم، اجتماعی شده و کنش ها و واکنش های مناسب بروز می دهد و اما اگر به دلایل مختلف فرهنگی، عاطفی، اقتصادی و غیره والدین نتوانند به احتیاجات فطری و طبیعی کودک پاسخ گفته و او را برای زندگی در اجتماع تجهیز و آماده نمایند، نمی توان انتظار داشت که کودک توانایی لازم برای انطباق خود با ارزش های جامعه را داشته باشد.<sup>۴</sup>

هر تحقیق عمده ای در زمینه بزهکاری، رابطه نزدیکی بین بی ثباتی در شرایط محیط زندگی و خانواده کودک با بزهکاری را نشان داده است. از آنجا که کودکان مفاهیم اخلاقی و صحیح و غلط را بر اساس اعتقادات و ارزش های والدین خود در طفولیت از آنان می آموزند، بنابراین هر گونه سهل انگاری در این آموزش و یا بی توجهی به کودک هنگامی که اصول مورد پذیرش خانواده را نادیده می گیرد، می تواند زمینه ساز بزهکاری در نوجوانی باشد.<sup>۵</sup> بنابراین اگر خانواده می تواند عامل مهم بزهکاری باشد و اوضاع نامطلوب آن، بزهکار پرورش دهد، به همان نسبت وجود اوضاع مطلوب در خانواده رشد ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی نوجوان را امکان پذیر می سازد که مهمترین گام در پیش گیری از بزهکاری است. پس شناخت این عوامل خانوادگی می تواند به درک هر چه بهتر این علل و برنامه ریزی صحیح در این زمینه بیانجامد.

محیط خانوادگی نامناسب و نامطلوب، نبود نظارت والدین و تاثیربخشی مثبت آنها، تعارض شدید بین والدین و کودک، غیبت والدین در خانواده و عواملی از این دست زمینه ساز رفتار بزهکارانه کودکان و نوجوانان است. از دیگر عوامل خطر موثری که این محیط ممکن است داشته باشد، روابط ناموزون و قهرآمیز بین اطفال و والدین، اقدامات تنبیهی و تشویقی بی ضابطه و بی قاعده، بی اعتنائی والدین نسبت به رفتار کودک که حتی همین بی اعتنائی می تواند باعث شود که والدین پس از گذشت چندسال، فرزندان را دقیق نشناسند و همین عدم شناخت منجر به عجز و ناتوانی از اقدام مناسب در مورد طفل می شود.<sup>۶</sup> سوء رفتار با کودک، سوء استفاده، بی توجهی به نیازهای عاطفی و جسمانی وی، غفلت و سهل انگاری، تربیت نادرست، سطح ضعیف سواد و دانش والدین، اعتیاد و یا بزهکاری اعضای خانواده، عدم کنترل و مراقبت و نظارت والدین از کودک، عدم کفایت دارایی خانواده و مشکلات اقتصادی، طلاق و فروپاشی خانواده، سوء رفتار خانواده نسبت به کودکان و بی بندوباری و نبود تربیت

<sup>۲</sup> قدرت اله خسروشاهی، حیدر منصوری، پیش گیری زودرس از بزهکاری با رویکرد خانواده مدار، فصلنامه مطالعات پیش گیری از جرم، سال پنجم، شماره شانزدهم، پاییز 89، ص 11

<sup>۳</sup> شهلا معظمی، ص 224

<sup>۴</sup> علی نجفی توانا، ص 108 و 107

<sup>۵</sup> شکوه نوابی نژاد، رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان و راه های پیش گیری و درمان نابهنجاری ها، چاپ چهارم، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، زمستان 1373، ص 121 الی 119

<sup>۶</sup> علی حسین نجفی ابرندآبادی، مباحثی در علوم جنایی، ص 1281

دینی در خانواده، دیگر مواردی است که می تواند در این حوزه، به عنوان خطر، کودک را در معرض خطر قرار داده و تعامل این عوامل ممکن است باعث افزایش فعالیت بزهکارانه گردد.

برخی محققین چهار عامل رفتاری پدر و مادر را پیش‌بینی کننده رفتارهای بزهکارانه کودکان می‌دانند این چهار عامل عبارت است از: نبود نظارت و کنترل والدین بر فرزندان، طرد فرزندان، نظارت سخت‌گیرانه، سهل‌انگاری و ضعف دلبستگی بین والدین و کودک.<sup>۷</sup> از جمله نقش‌های مهم خانواده، نقش کنترلی است. که به دلیل وابستگی همه جانبه کودک به خانواده اهمیت فراوان دارد. اگر نقش کنترلی خانواده دچار اختلال شود و نتواند کنترل درست و مناسبی بر کودکان و نوجوانان اعمال کند، خطر گرایش به بزهکاری در کودکان و نوجوانان افزایش می‌یابد. مطابق نظریه پیوند افتراقی، بزهکاری به طور عمده از راه کنش متقابل اجتماعی با گروه‌های صمیمی و نزدیک صورت می‌پذیرد. ساترلند معتقد است کودکان بیشتر رفتارهای تبه‌کارانه را در درون گروه‌های نخستین، به ویژه دوستان و همسالان فرا می‌گیرند. فلذا اگر خانواده بر ارتباط کودک و نوجوان با دوستان و همسالان نظارت و کنترل داشته باشد و از ارتباط آنها با دوستان منحرف جلوگیری کند، احتمال بزهکاری کودک و نوجوان کمتر می‌شود.<sup>۸</sup> خانواده همچنین می‌تواند با تقویت رابطه محبت آمیز میان والدین و کودک و تقویت اعتقادات دینی و تشویق و تنبیه کودک، نقش کنترلی و نظارتی خویش را به خوبی ایفا نماید.<sup>۹</sup> در ادامه برخی از مولفه‌های منفی اثرگذار خانواده بر اطفال را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## 1. خانواده نامتعامل

والدین اولین کسانی هستند که شخصیت فرزندان را شکل داده، نگرش‌های اجتماعی را به آنها می‌آموزند. چنانچه یکی از والدین آلودگی داشته باشد فرزندان نیز در معرض خطر همان آلودگی خواهند بود. به طور مثال پدر یا مادری که پای‌بند به عفت اخلاقی نیست،

همین امر سبب می‌شود که زشتی این رفتارها نزد فرزندان از بین برود. بعد از والدین، بزهکاری سایر افراد خانواده ممکن است در فرزندان اثرات زیادی بگذارد. چرا که فرزندان با تمامی اعضای خانواده ارتباط داشته و از آنها تاثیرپذیر می‌باشند.<sup>۱۰</sup>

## 2. فقدان یا عدم حضور والدین

عدم حضور والدین به دلایل مختلف مانند فوت، طلاق، جدایی، ترک خانواده، زندانی بودن، بیماری‌های طولانی مدت و... یکی از والدین که مانع از اجرای وظایف ناشی از نقش پدری یا مادری است زمینه‌ساز هر گونه سوء رفتار برای فرزند می‌باشد.

<sup>7</sup> شهلا معظمی، ص 215

<sup>8</sup> محمود مهدوی، نیکزاد اختری، "خانواده، کنترل اجتماعی و پیش‌گیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان"، مطالعات پیش‌گیری از جرم، زمستان 91، شماره 25، ص 97

<sup>9</sup> جهت مطالعات بیشتر رجوع شود به محمود مهدوی، ص 242 الی 258 و محمود مهدوی و نیکزاد اختری، ص 95 الی 114

<sup>10</sup> هوشنگ شامبیاتی، ص 206 الی 203

فقدان والدین به دلایل مختلف در روحیه اطفال تاثیر بسیار دارد، احساس شدید گناه، محرومیت، ناامنی، حقارت، حسادت موجب رنجش خاطر اطفال این خانواده‌ها شده که تاثیر مستقیمی بر رفتارهای بزهکارانه آنان دارد.<sup>11</sup> در آیات متعددی از قرآن کریم بر حسن رفتار و تربیت اطفال یتیم، جهت پیش‌گیری از لطمه‌ی بزرگ روانی ناشی از نبود والدین وی، تاکید شده است.<sup>12</sup> طلاق و جدایی والدین که در کشور ما متأسفانه روند صعودی داشته، اثرات سوء بسیاری در کودکان این خانواده‌ها می‌گذارد. این کودکان اغلب غمگین، افسرده و زیاده طلب هستند و کارکرد آنان در مدرسه پایین است.

### 3. اعتیاد اعضای خانواده

اعتیاد والدین و یا سایر اعضای خانواده به مواد مخدر و الکل می‌تواند به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در رفتار اطفال و نوجوانان تاثیر بگذارد. مصرف مواد مخدر و الکل از عواملی است که تربیت اطفال را به شدت دچار مشکل کرده و موجب انحراف و نابهنجاری آنان خواهد شد.

نتایج صورت گرفته توسط ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری در این رابطه حاکی از این است که نسبت اعتیاد در رابطه با پدر و مادر 27/2 درصد، برادر و خواهر 17/7 درصد، دختر و پسر (تاثیر فرزندان بر والدین) 1/9 درصد، عمو و دایی 3/82 درصد و سایر خویشاوندان 4/78 درصد می‌باشد.<sup>13</sup>

بنابراین ملاحظه می‌شود که از نظر تاثیرگذاری اعتیاد، پدر و مادر در مرحله اول و برادر و خواهر در مرحله دوم اهمیت قرار دارند. علاوه بر امکان اعتیاد فرزندان، آسیب رسیدن به پیوندهای عاطفی والدین، سستی پیوندهای خانوادگی، اختلال در نظم عمومی خانواده، تقلیل احساس مسئولیت نسبت به سایر اعضای خانواده و عدم انجام تکالیف فردی و جمعی، صرف درآمد خانواده برای تحصیل مواد مخدر و مسکر و در نتیجه تضعیف توان مالی خانواده جهت تامین نیازهای ضروری، بروز تشنج بین والدین و از هم گیسختگی خانواده و... حاصل اعتیاد والدین می‌باشد.<sup>14</sup>

### 4. سوء رفتار با کودک

خشونت که یکی از معضلات اصلی کودکان می‌باشد، عمدتاً به صورت پنهان انجام می‌شود. سوء رفتار با کودک اصطلاح عامی است که هم شامل بی‌توجهی و هم شامل کتک زدن شدید می‌شود.<sup>15</sup> تندروی و خشونت در تربیت و کیفیت شکل‌گیری روحیه و منش طفل، خصوصاً در سال‌های قبل از بلوغ اثرات بسیار منفی باقی می‌گذارد.<sup>16</sup>

<sup>11</sup> شهلا معظمی، ص 219 و 220

<sup>12</sup> به طور مثال آیات 8 و 126 سوره نساء و آیه 219 سوره بقره

<sup>13</sup> هوشنگ شامبیاتی، ص 208

<sup>14</sup> علی نجفی توانا، ص 117

<sup>15</sup> شهلا معظمی، ص 223

<sup>16</sup> علی نجفی توانا، ص 112

محققان دریافته‌اند آن دسته از جوانانی که مورد بی‌توجهی والدین خود قرار دارند یا احساس عدم انسجام خانوادگی دارند بیشترین احتمال را برای درگیری در اعمال بزهکارانه یا بزه‌های ویژه کودکی دارند.<sup>۱۷</sup> نتایج تحقیقات مختلف نشان داده که مراقبین کودکی که از نظر روانی مشکل دارند و هم چنین سوءاستفاده جسمی کودکان در اوایل دوران کودکی، منجر به نافرمانی آتی کودکان می‌شود. همچنین کودکانی که از سوی والدین، مورد بدرفتاری و خشونت واقع می‌شوند، نسبت به سایر گروه‌های همسال غیر آزار دیده، خشن تر بوده، کمبودها و ضعف‌هایی را در مهارت‌های اجتماعی و در توانایی‌هایشان جهت تکامل درست و موثر با گروه همسال، نشان می‌دهند که اغلب منجر به طرد از گروه همسال می‌شوند.<sup>۱۸</sup>

نکته حائز اهمیت در خصوص سوءرفتار با کودکان این است که کودکانی که در معرض سوءرفتار در خانواده باشند، احتمال بیشتری دارد که از منزل فرار کنند. هرچند فرار، خود انحراف است؛ اما در غالب موارد زمینه ساز رفتارهای انحراف و بزهکاری دیگری از جمله سرقت، اعتیاد و... می‌باشد. از طرف دیگر غالباً به علت وجود مکان امن، در دام تبهکاران و افراد خلاف کار گرفتار می‌شوند.

اکثر آزارها در خانواده از سوی والدین با سنین بالا و خیلی کم و همچنین سطح سواد پایین صورت می‌پذیرد سابقه بیماری روانی، جسمانی، طلاق و جدایی و همین‌طور پیشینه کیفری و سوابق مجرمانه پدر و مادر به ویژه اعتیاد از عوامل مهم بروز سوء رفتار با کودکان بوده است.<sup>۱۹</sup>

یکی از ابعاد بهت‌آور و وقیحانه سوء رفتار با کودکان، سوء رفتار جنسی می‌باشد. که بسیار ویرانگر بوده و ضربه روانی حاصل از آن گاه تا بزرگسالی فرد نیز استمرار دارد. تاثیر این سوء رفتار بر طفل قربانی به صورت احساس گناه و شرمساری، همچنین کاهش یادگیری در مدرسه و عدم توانایی در برقراری روابط اجتماعی است که در نهایت به تثبیت خشونت می‌انجامد. مطالعات نشان می‌دهد که کودکان پرورش یافته در خانواده‌های مسالهدار که شاهد اختلاف یا خشونت والدین خود بوده‌اند، در مراحل بعدی زندگی، الگوهایی از اختلال عاطفی، مشکلات رفتاری و تعارض اجتماعی را بروز می‌دهند.<sup>۲۰</sup> به عنوان نمونه 55 درصد موارد کودک آزاری در یک جامعه پژوهشی منجر به بروز شخصیت ناپه‌نچار ضد اجتماعی شده است.<sup>۲۱</sup>

پیامدهای آزارگری کودکان را در دو جلوه جسمانی- روانی می‌توان بررسی کرد، جلوه‌های جسمانی کودک آزاری، بروز اختلالات رشدی، بدریختی بدنی و معلولیت جسمی، سوء تغذیه منجر به افت توانایی ذهنی، کبودی بدن، شکستگی استخوان‌ها، آثار سوختگی و داغ روی بدن، پارگی و خراشیدگی، آسیب‌های مغزی، نقص عضو و در بدترین حالت مرگ می‌باشد.<sup>۲۲</sup>

<sup>17</sup> شهلا معظمی، ص 224

<sup>18</sup> فریده طه، بررسی کنگره‌های پیش‌گیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد، تهران، نشر میزان، 1390، چاپ اول، ص 194

<sup>19</sup> عبدالرحیم اسداللهی، محمود برات‌وند، رابطه بین کودک آزاری والدین و الگوی مجرمانه شرارت در کودکان آزار دیده، فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره 19، ص 228

<sup>20</sup> شهلا معظمی، ص 225-227

<sup>21</sup> عبدالرحیم اسداللهی و محمود برات‌وند، ص 230

<sup>22</sup> همان، ص 230 و شهلا معظمی، ص 224

شکل گرفتن رفتارهای خشن و پرخاشگری، بی‌اشتهایی، تظاهر به خودکشی و هیستریک، جلوه‌های ترس مرضی از مردان، افسردگی، انزوا‌گزینی و اختلالات خواب از بارزترین موارد جلوه‌های روانی است.<sup>23</sup> تمامی این مطالب بر این نکته تاکید می‌کند که توجه به طفل و تربیت وی، فراهم آوردن زمینه‌های مساعد برای رشد و تقویت رفتارهای صحیح در خانواده‌ای سالم و صمیمی، حضور والدین با مراقبت و نظارت معتدل بر رفتارهای طفل زمینه‌های مساعد برای رشد اجتماعی وی را فراهم می‌کند. علاوه بر این‌ها ناتوانی والدین بر تربیت صحیح، کمبود محبت در خانواده و یا حتی افراط در محبت و توجه به کودک نیز از عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری شخصیت غلط با قدرت مقاومت پایین است و موجب پرورش غرور و خودپسندی و سایر خصایص منفی در کودک می‌شود.

سوالی که ممکن شود مطرح شود این است که اگر خانواده تا این اندازه در سرنوشت اطفال موثر است، چرا فرزند خانواده‌ای بزهکار و فرزند دیگر آن، فردی سالم و سازگار می‌شود؟ در پاسخ باید گفت هم فرزندان یک خانواده معمولاً از استعدادها و ویژگی‌های یکسانی برخوردار نیستند. برخی آرام و مطیع، برخی سرکش و ناآرام‌اند. برخی اجتماعی و برخی انزوا طلب هستند. برخی روحیه‌ای قوی داشته، برخی ندارند. از طرف دیگر در برخی خانواده‌ها میان فرزند دختر و پسر تبعیض قایل می‌شوند که این خود زمینه‌ساز بروز حس حسادت میان فرزندان می‌شود.<sup>24</sup> به همین جهت ممکن است خانواده‌ای هم فرزند صالح و هم فرزند ناصالح داشته باشد. که این تاثیر بسیار خانواده بر طفل را نفی نمی‌کند.

#### ب) محیط مدرسه

مدرسه مکانی برای تعلیم و تربیت بشر می‌باشد که کودکان برای همکاری و آموختن مهارت خواندن و نوشتن وارد آن می‌شوند و یاد می‌گیرند که چگونه ساعاتی از محیط خانواده دور باشند. مدرسه حس استقلال طلبی اطفال را رشد داده و نحوه مقابله با مشکلات و مسائل، شیوه سازگاری با افراد مختلف و جامعه را به آنها می‌آموزد. در این محیط است که کودک اولین قدم‌ها را به سمت تطابق با اصول و قواعد اجتماعی بر می‌دارد و با روش‌های سازگاری با افراد مختلف و گروه‌های گوناگون و جامعه آشنا می‌شود. مدرسه همچنین به کودکان کمک می‌کند تا بتوانند توانایی‌ها و استعدادهای خود را شکوفا کرده و از آنها استفاده کنند.

امروزه تأثیر بسیار زیاد و عمیق و نافذ مدرسه در زندگی اطفال بر هیچ کس پوشیده نیست، چرا که نقش حیاتی و اساسی در ساختن آینده و تکمیل شخصیت او را ایفا می‌کند و می‌تواند از طفل، فردی سالم و مفید برای جامعه و یا برعکس فردی بیمار و ناسازگار بار بیاورد.

به نظر می‌رسد که مدرسه را می‌توان به نوعی ادامه راه تربیت و تعلیم در خانه و خانواده دانست. در حقیقت مدرسه در راستای جامعه پذیر کردن اطفال ادامه نقش خانواده را باز می‌کند. بدین توضیح که اگرچه همه خانواده‌ها از سطح علمی و فرهنگی یکسانی برخوردار نیستند، با ورود اطفال به مدرسه، اولیای مدرسه که عموماً از سطح علمی بالاتری نسبت به خانواده‌ها برخوردار

<sup>23</sup> شهلا معظمی، ص 228 و عبدالرحیم اسداللهی و محمود برات وند، ص 230

<sup>24</sup> هوشنگ شامبیاتی، ص 206 و 205

هستند، در راه گسترش و توسعه مهارت‌های زندگی و دانایی و همچنین بالا بردن احساس مسئولیت‌پذیری و در نهایت پیش‌گیری از بزهکاری و عدم هنجار پذیری اطفال قدم بر می‌دارند.<sup>25</sup>

با توجه به این مطالب، مدارس و اولیای مدرسه در برهه‌ای از دوران زندگی اطفال جایگزین والدین اصلی طفل در امر تعلیم و تربیت وی شده و نقش ایفا می‌کنند.

محیط آموزشی همانند یک واحد کنترل اجتماعی می‌تواند با تکیه بر اصل تشویق و تنبیه به کودکان بیاموزد تا با استفاده از استعدادهاى خود در یک رقابت سالم و سازنده، ضمن انجام وظایف آموزشی امتیازات اجتماعی و خانوادگی به دست بیاورند. فرآیند چنین امری نظم‌پذیری و اجتماعی شدن تدریجی و در نهایت تکامل و تکوین شخصیت فردی و اجتماعی طفل می‌باشد.<sup>26</sup>

یکی از وظایف اساسی مدرسه آماده کردن کودک برای زندگی اجتماعی و دوران بلوغ و پرورش قدرت شرکت در فعالیت‌های دسته جمعی و معاضدت و همکاری با دیگران و در نهایت ایجاد روح سازگاری با محیط بزرگ اجتماعی است. ساترلند معتقد است که وظیفه اصلی مدرسه در اصل پیش‌گیری از جرم نیست، بلکه مانند خانواده باید ارزشهای رایج و پذیرفته شده را در اجتماعی که به قوانینش احترام می‌گذارد و از همگان رعایت آنها را خواستار است، به کودک بیاموزد و معیارهای صحیح را در ذهن او جایگزین سازد.<sup>27</sup>

به هر صورت، آموزش طفل با پرورش و تکامل شخصیت او ارتباط مستقیم داشته و نوع ارتباط معلم و دانش آموز و ارتباط شاگردان با یکدیگر نقش مهمی در نوع تکامل کودک خواهد داشت.<sup>28</sup>

البته باید گفت مدرسه نیز همانند خانه همان طور که می‌تواند به عنوان یک عامل جامعه‌پذیر برای تربیت اطفال به شمار آید، از طرف دیگر نیز خود می‌تواند موجب بروز رفتارهای هنجار شکن و جامعه گریز در اطفال گردد. بدین توضیح که هر یک از محیط‌های موثر در بحث بزهکاری اطفال از جمله خانه و مدرسه می‌تواند نقشی ایجابی یا سلبی در این راستا ایفا کنند. فلذا همان طور که مدرسه در ادامه راهی که خانواده آغازگر آن بوده است می‌تواند نقش پیش‌گیری از بزهکاری در اطفال ایجاد کند به همان اندازه می‌تواند زمینه‌های بروز رفتار بزهکارانه را ایجاد نماید. شاید بتوان عدم ورود به مدرسه و همچنین ترک تحصیل را از آسیب‌زا ترین عوامل خطری در ارتباط با مدارس دانست. بنا به اعلام معاون وزیر آموزش و پرورش کشور، تنها دو ماه پس از آغاز سال تحصیلی 1387-1388 یکصد و پانزده هزار کودک پس از ثبت نام در مقطع ابتدایی در سراسر کشور ترک تحصیل کردند.<sup>29</sup> فقر، شرایط نامطلوب خانوادگی، استعمال مواد مخدر، حاملگی زودرس، خودکشی، همکاری با باندهای بزهکاری، روش‌های آموزشی و تربیتی غلط مدارس، فعالیت جنسی زودرس، اختلالات رفتاری و ضعف اعتماد به نفس، افزایش

<sup>25</sup> شهلا معظمی، ص 237-240

<sup>26</sup> علی نجفی توانا، ص 125

<sup>27</sup> رضا مظلومان، "اثر محیط تحصیلی در بزهکاری"، ماهنامه قضایی، آبان 1351، شماره 80، ص 55 و 54

<sup>28</sup> هوشنگ شامبیاتی، ص 234 و 233

<sup>29</sup> محمود مهدوی، ص 281



خشونت و زورگویی در مدارس، از عوامل موثر بر این مسئله به شمار می‌روند.<sup>30</sup> عواملی همچون 1. شکست خوردن به طور مداوم در فعالیت‌های آموزشی، 2. مورد ملامت و سرزنش مسئولان مدرسه و اولیای خویش قرار گرفتن به خاطر عدم موفقیت، 3. ضریب هوشی پایین و افت تحصیلی، 4. محرومیت از ادامه تحصیل به خاطر فقر، 5. پیش داوری نسبت به افعال اطفال توسط اولیای مدرسه، 6. رفتارهای تبعیض آمیز اولیای مدرسه، 7. گروه‌بندی کودکان در مدارس، 8. احساس بیگانگی طفل با محیط تحصیلی خود و ناسازگاری با محیط جدید، 9. اجباری شدن آموزش و پرورش، 10. تضاد طبقاتی، 11. نقش منفعل دانش آموز در مدرسه، 12. اخراج از مدرسه، 13. خشونت و تنبیه بدنی اولیای مدرسه با دانش آموزان 14. توبیخ، تشویق، تنبیه و تحقیر بی مورد خصوصا در حضور سایر دانش آموزان، 15. عدم کنترل و مراقبت در معاشرت و رفتار کودکان و نوجوانان در محیط مدرسه و در فاصله بین راه خانه و مدرسه، 16. زد و خورد و پرخاشگری و نزاع با هم کلاسی‌ها و بی ادبی به معلمان و اولیای مدارس و دزدی‌های کوچک در مدرسه از مهمترین عواملی هستند که می‌توانند سبب بروز حالات خطرناک و ایجاد رفتارهای هنجارشکن و جامعه‌گریزی طفل گردند. بنابراین مدرسه باید با عنایت و علم و آگاهی به وجود زمینه‌های متعدد نامبرده در فوق، در جهت رشد منفی اخلاقی اطفال و تأثیری که می‌تواند در بزهکاری ایشان داشته باشد، در تقویت و تربیت اطفال در مسیر صحیح گام بردارد. بدین توضیح که مدرسه باید به عنوان عامل جامعه‌پذیر ساختن اطفال و انتقال دانش به ایشان نسبت به مواردی همچون آموزش و درونی ساختن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نشان دادن بازتاب رفتارهای مثبت و منفی در جامعه به کودکان و روشن ساختن آینده‌ای که در انتظار افراد بزهکار می‌باشد، اهتمام ویژه بورزد.<sup>31</sup> اما در توضیح این که چرا عوامل شانزده گانه فوق موجب بروز زمینه‌های بزهکاری در اطفال می‌شود باید گفت که کودکانی که به دلیل هر یک از این موارد، یا موارد مشابه با آنها قادر به ادامه تحصیل به صورت همگام با سایر همکلاسی‌های خود نمی‌باشند، به شدت سرخورده می‌شوند و رانده شدن آنها از جانب هم کلاسی‌ها و اولیای مدرسه که با برخورد نامناسب والدین اصلی طفل شدت نیز می‌یابد، باعث می‌شود که تصور کنند موفقیت و کامیابی را نمی‌توان با تمسک به راه‌های معمول و متعارف به دست آورد. و به دنبال پدیدار شدن چنین تصویری در ذهن، راه‌های ضد اجتماعی و ضد هنجاری را برای نیل به اهداف و آمال و آرزوهای خود برمی‌گزینند و در این راه دوستانی را برای همراهی انتخاب می‌کنند که با خودشان هم فکر و هم عقیده باشند و تأثیر چنین دوستانی هم واضح است که فرد را بیش از پیش از مسیرهای جامعه‌پذیری و هنجارپذیری منحرف و دور می‌سازند و کودک به اتفاق دوستان این چنین خود دست به هنجارشکنی می‌زند.<sup>32</sup>

بنابراین خطر دیگری که در محیط مدرسه برای کودکان وجود دارد از ناحیه اطرافیان و هم طرازان جدید است که با آنها هم کلاس، دوست و هم بازی می‌شوند. کودکانی که متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده، فاسد و منحرف و بزهکار باشند به علت وجود محیط نامطلوب خانواده که در آن زندگی می‌کنند به احتمال فراوانی در معرض سقوط و انحراف قرار می‌گیرند. فلذا امکان اینکه دوستان و هم کلاسی‌های جدید را نیز به سوی گمراهی و ارتکاب اعمال ضد اجتماعی بکشانند، زیاد است.<sup>33</sup>

<sup>30</sup> همان، ص 320 و 321

<sup>31</sup> شهلا معظمی، ص 239 الی 250 و محمدعلی حاجی ده آبادی، تقریرات درس جرم شناسی، دوره کارشناسی ارشد دانشکده آموزش های مجازی دانشگاه قم، 1390، ص 32 و نفیسه متولی زاده نائینی، ص 130

<sup>32</sup> شهلا معظمی، ص 244

<sup>33</sup> رضا مظلومان، ص 60

علاوه بر این، در آینده جدا کردن کودک از این طیف دوستان، خود مشکل علی حده‌ای از تصحیح و تادیب رفتار طفل بزهکار می‌باشد. چرا که وی الگوی زندگی خود را در راه رسیدن به اهدافش انتخاب کرده است، غافل از این که در بیراهه‌ای قدم گذاشته که هرگز وی را به سرمنزل مقصود نخواهد رساند.

بنابراین اولیای مدرسه باید آگاه به عواقب کوچکترین رفتار منفی و کوچک‌ترین تبعیض و خشونت و تنبیه بدنی علیه دانش‌آموزان باشند. چرا که مطابق تحقیقات صورت گرفته یکی از مهمترین دلایل افزایش روزافزون بزهکاری در کودکان و نوجوانان ایرانی، وجود تنبیه بدنی در محیط‌های تربیتی است. تنبیه بدنی در مدارس یکی از علل ترک تحصیل زودرس کودکان و نوجوانان و افزایش تعداد بی‌سوادان و کم‌سوادان است و سبب بروز قساوت و شقاوت و رفتارهای ضد اجتماعی در آنان می‌شود.<sup>34</sup>

در صورت وجود چنین آگاهی است که اولیای مدرسه نیز در انجام صحیح وظایف اجتماعی و الهی خود دقت را بیش از پیش سرلوحه قرار داده و با افق دید وسیع‌تری عمل می‌کنند.

اگر معلمی که در حال برخورد نامناسب با دانش‌آموزی است که نسبت به انجام تکالیفش سهل انگار است، از عواقب این رفتار آگاه باشد و آینده ناامید کننده‌ای را که برای این کودک رقم می‌زند در ذهن خود ترسیم کند حتماً به جای تحقیر او سعی در تفهیم نتیجه کارش با زبان خوش خواهد نمود.

در مقام جمع‌بندی در تبیین نقش مدرسه در پیش‌گیری از بزهکاری اطفال می‌بایست به چند فاکتور اصلی توجه کرد. اول این که باید در مدرسه و گروه اولیای مدرسه توانایی و آگاهی لازم را برای ارائه رفتار مناسب با دانش‌آموزان ایجاد نمود. دوماً مدرسه و اولیای آن بایستی در راستای جبران و پاسخ‌گویی به مسائل و مشکلات روان‌شناختی و زیست‌شناختی دانش‌آموزان توانمند و کوشا باشند تا از بروز زمینه‌های جامعه‌گریزی در اطفال به خاطر برخی نقائص روحی و جسمی جلوگیری به عمل آورند. سوماً، مدرسه باید با مدیریت در برنامه‌ریزی خود انگیزه ادامه تحصیل را در دانش‌آموزان افزایش داده و در راستای کاهش نرخ ترک تحصیل قدم‌های جدی بردارد.

چهارم، مدرسه باید دانش‌آموزان را با به کارگیری شیوه‌های علمی به درس خواندن علاقمند سازد. پنجم، باید از وضع هر گونه مقررات غیر منصفانه و تبعیض آمیز که باعث بروز درگیری و تنش می‌شود توسط مدیران مدارس خودداری گردد. ششم، مدرسه باید درد و رنج ناشی از اعمال مجازات را به دانش‌آموزان به عینه نشان دهد و ایشان را از نزدیک با آینده‌ی قدم گذاشتن در مسیر جامعه‌گریزی آشنا سازد. مثلاً از طریق بازدید از زندان‌ها و مراکز نگهداری معتادین و محل زندگی ایشان.<sup>35</sup> هفتم، از آنجا که در نظام حقوقی کشور ما قوانین و مقررات پس از درج در روزنامه رسمی و انتشار لازم‌الاجرا هستند و همگان عالم بر آن فرض می‌شوند، لازم است با توجه به نوع مسئولیت کیفری که قانون مجازات اسلامی کشور ما برای اطفال به معنی عام (صغیر و غیر صغیر زیر هجده سال) قائل شده است، مدرسه از همان سال‌های نخست کودکان را از حدود مسئولیت کیفری خود آگاه سازد. یقیناً از این طریق بسیاری از ضرب و جرح‌ها و صدمات فیزیکی و حتی برخی قتل‌های ناخواسته در مدارس اتفاق نخواهد افتاد.

<sup>34</sup> محمد تقی علومی یزدی، تنبیه بدنی در مدارس و عواقب آن، فصل نامه تعلیم و تربیت، شماره 66، ص 31 و 33

<sup>35</sup> محمدعلی شادمانی، "مدرسه، بزهکاری نوجوانان را کاهش می‌دهد؟"، رشد مشاور مدرسه، پاییز 1386، شماره 9، ص 28 و 29

بنابراین مدارس نیز مانند هر نهاد و موسسه اجتماعی دیگر و بیش از همه آنها در پیش‌گیری از بزهکاری نقش دارند. مدارس با برنامه‌های درسی متنوع، سازنده و فعالیت‌های فوق برنامه و تسهیلات ورزشی و هنری و تفریحی و در عین حال آموزنده، می‌توانند به کودکان و نوجوانان فرصت‌هایی برای اظهار وجود و رشد شایستگی‌های خود بدهند. بدون چنین برنامه‌هایی در مدارس، بی‌شک مسئله بزهکاری نوجوانان به ویژه برای آنان که متعلق به محیط‌های خانودگی نامساعد هستند، روز به روز شدیدتر خواهد شد.<sup>36</sup>

### ج) محیط اجتماعی

بزهکاری اطفال و نوجوان ممکن است ناشی از محیط اجتماعی باشد. شرایط محیط در تکوین بزهکاری تاثیر بسیار زیادی دارد. محیط اقتصادی، طبیعی و جغرافیایی که طفل در آن حضور دارد، همانند سایر عوامل بزهکاری، بر روی وی اثر می‌گذارد. علاوه بر اینها وسائل ارتباط جمعی نیز در عصر حاضر، تاثیرات بسیار زیادی در انحرافات اجتماعی کودکان دارند. در این قسمت به صورت مختصر به بررسی این عوامل و تاثیر آنها بر بزهکاری اطفال خواهیم پرداخت.

#### 1. محیط طبیعی

در جرم‌شناسی منظور از به کار بردن کلمه محیط، جنبه دینامیک<sup>37</sup> آن است، یعنی حالت تحرک و جنبش که باعث رشد تکامل هر موجود زنده می‌شود. و حتی نسبت به دگرگونی در شخصیت افراد و شکل‌گیری و پرورش و تکوین آن تاثیر بسیار زیاد دارد.<sup>38</sup>

منظور از محیط طبیعی، محیط خارجی است که افراد در آن زندگی می‌کنند و می‌تواند به نحوی در بزهکاری افراد موثر باشد.<sup>39</sup>

میزان عامل محیط طبیعی در ایجاد بزهکاری کم نیست. محیط و تراکم جمعیت، سکونت و مسکن، آلودگی هوا، و... تاثیرات بسیار زیادی بر روی اطفال می‌گذارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که معمولا در جامعه‌ای که ثبات و پایداری اجتماعی وجود نداشته باشد، مثلا جامعه در حالت جنگ و یا شورش باشد میزان بزهکاری رو به افزایش است و برعکس هر قدر جامعه به سوی پایداری سوق داده شود، از میزان بزهکاری کاسته می‌شود.<sup>40</sup>

محل سکونت اشخاص هم در این زمینه قابل بررسی است. تاثیرات عامل مسکن بر کودکان از دو جهت کیفیت خود مسکن و منطقه‌ای که خانه مسکونی در آن واقع شده، قابل بررسی است. مساحت منزل طفل را در معرض خطراتی همچون مشاهده برخوردهای والدین، پرخاشگری آنها و عدم امکان استراحت لازم و... در مساحت‌های کوچک قرار می‌دهد. در رابطه با منطقه

<sup>36</sup> شکوه نوابی نژاد، ص 121

<sup>37</sup> Dynamique

<sup>38</sup> ناصر مهران، ص 133

<sup>39</sup> هوشنگ شامبیاتی، ص 236

<sup>40</sup> علی نجفی توانا، ص 147 و 148 و عذرا صالح فر، ص 36

مسکونی هم امکانات رفاهی، فضای سبز کافی، بهداشت، آموزش و... در مناطق مختلف یک شهر متفاوت است. تمامی این شرایط در چگونگی تکوین شخصیت اطفال تاثیرگذار است.<sup>41</sup>

مهاجرت نیز یکی از عوامل موثر در بزهکاری اطفال و نوجوانان است. تضاد فرهنگی ناشی از عدم انطباق با محیط جدید، می تواند موجب شود که افراد مهاجر مرتکب اعمالی شوند که قابل مجازات است.<sup>42</sup>

توسعه شهری نیز می تواند با بزهکاری رابطه داشته باشد. یکی از مهمترین این روابط تراکم جمعیت است که به بزهکاری امکان گمنامی و فرار از تعقیب و دستگیری را می دهد. علاوه بر این تراکم بیش از حد جمعیت در شهرها و متفاوت شدن طرز زندگی و اختلاف طبقاتی غالباً موجب تندخویی و پرخاشگری می شود.<sup>43</sup>

## 2. محیط اقتصادی

عامل دیگری که می تواند در بزهکاری اطفال موثر واقع شود، عامل اقتصادی است توان مالی و امکانات مادی در ایجاد تعادل خانواده و موفقیت والدین برای تربیت فرزندان ضروری است. وضعیت مالی زندگی افراد را شدیداً تحت تاثیر قرار می دهد. اهمیت این امر به حدی است که در اسلام فقر عامل بسیاری از انحرافات اجتماعی معرفی شده است.<sup>44</sup>

فقر یکی از عوامل مهم از انواع انحرافات از جمله دزدی و انحراف جنسی در مردم به ویژه اطفال و نوجوانان است و عده ای معتقدند که بزهکاری بیشتر در طبقات پایین اجتماع دیده می شود. از طرف دیگر تحقیقاتی که در زمینه تاثیر عامل اقتصاد در بزهکاری در امریکا صورت گرفته نشان می دهد که رونق اقتصادی در افزایش بزهکاری موثر است. یعنی بزهکاری در دوران رونق اقتصادی افزایش می یابد. و به هنگام رکود، کاهش پیدا می کند.<sup>45</sup>

## 3. تاثیر وسایل ارتباط جمعی

وسایل ارتباط جمعی جدید ابزار نیرومندی هستند که اگر کنترل دقیق وجود نداشته باشد، امکان استفاده از آنها در طرق شرعیه از خیر است. وسایل ارتباط جمعی و اثرات آن امروزه از پیچیده ترین مباحث انحرافات اجتماعی است. تاثیرات سینما، تلویزیون، مطبوعات و نشریات و امروزه بیش از همه ی این ها، تاثیر ماهواره و اینترنت که به سهولت در اختیار کودکان نیز قرار دارد، بسیار زیاد است که بررسی دقیق آن از حیطه این تحقیق به دور است. اما لازم است که سرمایه گذاری بیشتری در بخش فرهنگ عمومی کشور و ایجاد تسهیلات لازم برای فعالیتهای سالم کودکان انجام شود. همچنین باید به گونه ای ارزش ها و

<sup>41</sup> علی نجفی توانا، ص 143 الی 140

<sup>42</sup> هوشنگ شامبیاتی، ص 237

<sup>43</sup> ناصر مهران، ص 132

<sup>44</sup> علی نجفی توانا، ص 128 و 127

<sup>45</sup> عدرا صالح فر، ص 36

اهداف فرهنگی جامعه را به گونه‌ای تبلیغ نمود تا جزیبی از شخصیت اطفال شده و لذا سریعاً تحت تاثیر الگوهای رفتاری غلط قرار نگیرند.<sup>46</sup>

در مجموع باید گفت که دو نهاد خانواده و مدرسه جایگاه‌های بسیار مهمی را در زندگی روزمره اطفال به خود اختصاص می‌دهند چرا که ایشان بیشترین لحظات خود را در این دو نهاد سپری می‌کنند تجربه‌های کودکان در خانواده به علاوه تجربه‌های آنها در محیط مدرسه، شخصیت کودکان را کامل می‌کند. خانواده و مدرسه می‌توانند کودک را در اجتناب از بزهکاری و نابهنجاری کمک کنند و مشوق رفتارهای غیر قانونی و نابهنجار آنها باشند.

زمانی که کودکان در امور تحصیلی خود به دلایل مختلف موفقیت کسب نمی‌کنند اگر پدر و مادر وی از تعلیم و تربیت صحیح برخوردار نباشند و علاوه بر این زمینه با اولیای مدرسه هماهنگ نبوده، و کودک را آنچنان که باید درک نکنند، محققاً نه تنها به ناراحتی او پی نخواهند برد و در پی جستجو و شناخت علل شکست و عدم موفقیت کودک در امر تحصیل بر نمی‌آیند، بلکه بر عکس ناآگاهانه به سرزنش او می‌پردازند و بر ناراحتی‌ها و رنج‌های او می‌افزایند و از این طریق آمادگی بیشتری در دست زدن به اعمال خلاف در او ایجاد می‌کنند. ناسزاگویی والدین و سرکوفت و شماتت و به رخ کشیدن دیگران، سبب بیزاری طفل از تحصیل خواهد شد و حتی ممکن است کودک در نتیجه رفتار غلط والدین در قبال عدم موفقیت وی در تحصیل، دست به فرار از مدرسه و حتی خودکشی بزند.

### نتیجه گیری

علاوه بر این موارد نقش سواد و تحصیلات والدین و اولیای مدرسه در مراحل رشد شخصیتی و اجتماعی کودکان بسیار موثر است. کودکان متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده، معتاد منحرف و پرتنش قادر به تمرکز در کلاس یا یادگیری نیستند که این موجب کم‌آموزی تحصیلی و نارسایی در تحصیل آنان می‌گردد. کودکانی که در منزل و یا مدرسه با ناکامی و شکست تحصیلی روبرو می‌شوند، احتمال ارتکاب رفتارهای نابهنجار و ضد اجتماعی و بزه از طرف آنها بیشتر است تحقیقات نشان می‌دهد که بزهکاران مزمن، افرادی هستند که به احتمال زیاد از زندگی خانوادگی مطلوب و موفقیت تحصیلی برخوردار نبوده‌اند.

بسیاری از تلاش‌ها و فعالیت‌ها و برنامه‌های مربوط به پیش‌گیری از بزهکاری کودکان، بر مواردی همچون بهبود روابط خانوادگی و حمایت از پیشرفت تحصیلی آنها متمرکز است.

مسلم است که خانواده و یا مدرسه به تنهایی مطلقاً قادر نخواهد بود که مانع از بزهکاری کودکان شده و آنها را از مسیر غلط باز دارد فلذا مشارکت و همکاری این دو نهاد از ضروریات برنامه‌های پیش‌گیری از بزهکاری اطفال می‌باشد.

### منابع

قدرت اله خسروشاهی، حیدرمنصوری، پیشگیری زودرساز بزهکاری بارویکرد خانواده مدار، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره شانزدهم، پاییز 89

<sup>46</sup> هوشنگ شامبیاتی، ص 251 و 250

شکوه

نوابینژاد، رفتارهای پنهان و ناپنهان کودکان و نوجوانان راه‌های پیش‌گیر یودر ماننا بهنجاری‌ها، چاپ چهارم، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، زمستان 1373، ص 121 الی 119

محمود مهدوی، نیکزاد اختری، "خانواده، کنترل اجتماعی و پیش‌گیری از بزهکاری یا طفلان و نوجوانان"، مطالعات پیش‌گیر یاز جرم، زمستان 91، شماره 25، ص 97

معظمی، شهلا، بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران، دادگستر، چاپ ششم، 1391

نجف‌توانا، علی، ناپنهان‌گری بزهکاری کودکان و نوجوانان از منظر جرم‌شناسی مقررات داخل‌یواسناد بین‌المللی، تهران، آموزش و سنجش، چاپ اول، 1385

نجفی‌پندآبادی، علی‌حسین؛ هاشمی‌گی، حمید، دانش‌نامه جرم‌شناسی، تهران، انتشارات گنج‌دانش، چاپ دوم، 1390

فریده طه، برر سیکنگر ههای پیش‌گیر یاز جرم موعدا لتکیفر یساز مانملمتحد، تهران، نشر میزان، 1390، چاپ اول،

عبدالرحیم‌سدا للهی، محمود برات‌وند، رابطه بین کود کآزار یوالدینوالگویمجرمانه شرارتدر کود کآزار دیده، فصلنامه علمی پژوهشی راه‌ها اجتماع، سال پنجم، شماره 19، ص 228

شامبیاتی، هوشنگ، بزهکاری یا طفلان و نوجوانان، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم، 1389

رضامظلومان، "اثر محیط تحصیل در بزهکاری"، ماهنامه قضایی، آبان 1351، شماره 80، ص 55 و 54

محمد تقی علومی‌دی، تنبیه‌دیندر مدار سوعواقبآن، فصلنامه تهتعلیم و تربیت، شماره 66، ص 31 و 33

محمد علی‌شادمانی، "مدرسه، بزهکاری و نوجوانانرا کاهشمیده؟"، رشد مشاور مدرسه، پاییز 1386، شماره 9، ص 28 و 29